

## تطبیق مفهوم عشق در غزلیات حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج و انعکاس آن در تک‌ورقی‌های عشاق بخارا

### چکیده

نیاز بشر به عشق و ذات زیبای آن بی‌شک یکی از دلایل متقن و اساسی برای به‌کارگیری از مضمون عشق در اشعار پارسی بوده است. در این میان نمی‌توانیم از بن‌مایه‌های روان‌شناختی در گرایش انسان به این مبحث غافل باشیم. این پژوهش با هدف بررسی عشق در غزلیات حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار «گراس» به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است. همچنین مفهوم عشق در تک‌ورقی‌های عشاق بخارا نیز بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که شعر حمیدی تحت سیطره جریان دنباله‌دار عشقی قرار داشته که تا آخر عمر هم او را رها نکرده است و اشعار سایه نیز پیوند ناگسستنی با جامعه، عشق، طبیعت و زمان دارد. عشق در اشعار هر دو شاعر سبب درد و تألم بسیار معرفی شده است. حمیدی با سرودن ابیات عاشقانه سعی دارد تاب‌آوری خود را در برابر اندوه و ماتم ناشی عشق، افزایش دهد. ابتهاج نیز درون‌مایه شعرش در خصوص عشق‌ورزی همراه با اندوه است؛ گویی او هم برای تاب‌آوری بیشتر و رهایی از غم و اندوه ناشی از عشق به شعر پناه آورده است. حمیدی گاه در تنظیم هیجان‌های عاطفی خود ناموفق است تا حدی که ناامیدی بر او چیره می‌گردد و لکن هوشنگ ابتهاج در این وادی، پیروزمندانه عمل می‌کند و بر هیجان‌های ناشی از عشق چنان چیره می‌گردد که به خرسندی و رضایت‌مندی از عشق باوجود اندوه ناشی از آن می‌رسد. حمیدی در شعرش و در فراق از معشوق، از استراتژی تنظیم هیجان با رویکرد پذیرش، توجه و آگاهی بهره می‌جوید. در شعر ابتهاج نیز تاب‌آوری روان‌تحلیلانه در شعر او بسیار به چشم می‌خورد و در استراتژی‌های تنظیم هیجان به درجه‌ای ارتقا می‌یابد که برای سازگاری با پیامدهای عشق، آن‌چنان با آن درهم‌آمیخته و یکی می‌گردد که با تمام اندوه و سختی‌ها، عشق را می‌ستاید.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی عشق در غزلیات حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار «گراس».
۲. بررسی مفهوم عشق در تک‌ورقی‌های عشاق بخارا.

### سوالات پژوهش:

۱. عشق در غزلیات حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار «گراس» چگونه می‌باشد؟
۲. مفهوم عشق چه جایگاهی در تک‌ورقی‌های عشاق بخارا دارد؟

کلیدواژه‌ها: عشق، غزل معاصر، حمیدی شیرازی، هوشنگ ابتهاج، رویکرد تنظیم هیجان

## مقدمه

یکی از لطیف‌ترین پدیده‌های روحانی، عشق است که خداوند آن را به‌نحوی در وجود تمامی ارکان و عناصر عالم قرار داده است. عشق نمودها و تجلی‌های متفاوتی دارد که هر کدام به‌نوبه خود موجب پیدایش آثار دل‌انگیزی در ادب ایران و جهان شده و در واقع همین‌ها است که شعر غنایی را به‌وجود آورده است. تا قرن ۵ موضوع عشق مجازی بود اما از اواخر قرن ۵ و با سقوط غزنویان شعر درباری تا حدودی از رونق می‌افتد و عرفان و تصوف به‌گونه دامنه‌داری در ایران گسترش یافت که همه این‌ها موجب پیدایش موجی نو در زمینه عشق مطرح در اشعار غنایی می‌گردد. در شعر غنایی عشق دو مسیر گوناگون پیدا می‌کند که یکی عشق عرفانی است و دیگری عشق مجازی اما همین عشق مجازی هم نسبت به عشق دوران قبل متفاوت است و معشوق در آن وجهه خاصی دارد و دست‌نیافتنی‌تر می‌باشد؛ این باعث می‌شود که عاشق پیوسته در سوز و گداز باشد و این موضوع به شعر غنایی لطافت خاصی داده است.

در شعر معاصر و در اشعار شاعرانی چون حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج و در بین روایت‌های منظوم آن‌ها، بارها شاید توصیف عشق و کارکردهای آن بر احوال انسان بوده‌ایم که لزوم بررسی عشق در اشعار این دو شاعر را از منظر روان‌شناختی و بر پایه نظریات گراس دوچندان می‌کند؛ با وجود این، تاکنون پژوهشی جامع که به بررسی موضوع عشق بر پایه رویکرد هیجان‌مدار کراس<sup>۱</sup> در اشعار این شاعران بپردازد و از طریق آن بتوان به چگونگی کارکرد و عشق و مضامین آن پی برد، صورت نگرفته است که این امر نشان‌دهنده اهمیت موضوع و ضرورت انجام این پژوهش می‌باشد.

در این پژوهش سعی بر آن بوده است تا ابعاد پردازش به مضمون عشق از منظر روانشناسی بر مبنای رویکرد هیجان‌مدار و بحث پیرامون هیجان و تاب‌آوری و استراتژی‌های تنظیم هیجان در غزل حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مورد مطالعه قرار گیرد و نتایج این پژوهش سعی در پاسخ به این سؤال باشد که جایگاه عشق در غزل حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار «گراس» چگونه است؟ و اینکه نمود عشق در تک‌ورقی‌های عشاق بخارا چگونه است؟

روش انجام تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و از روش گردآوری کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شده و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل نظری و طبقه‌بندی موضوعی به‌کاربرده شده است؛ قابل ذکر است که این پژوهش با مطالعه کتاب‌های متفاوت و مربوط و همچنین فیش‌برداری و استناد به منابع دسته اول و مختلف در حوزه اشعار حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج و نیز منابع روانشناسی صورت پذیرفته است.

تاکنون در خصوص درون‌مایه عشق در غزل حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار، تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته و تنها منبع، اشعار شاعران و کتاب‌های مربوط به عشق است. برخی از محققان پژوهش‌هایی در خصوص عشق در شعر معاصر و گاه اشعار یکی از شاعران این پژوهش انجام داده‌اند که بسیار سودمند بوده و سبب ارتقای سطح پژوهش در ادب فارسی گردیده است و اما یک بررسی جامع در خصوص عشق در اشعار دو شاعر به‌صورت هم‌زمان و با رویکرد روان‌شناختی و مرتبط با نظریه‌های تنظیم هیجان صورت نگرفته و پژوهش از این حیث بدیع و واجد شرایط نوآوری است.

---

<sup>۱</sup> . Gross

## نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی درون‌مایه عشق در غزل حمیدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار «گراس» و تکنگاری‌های عشاق بخارا می‌باشد. پردازش به مضمون عشق در طول ادوار شعر فارسی پیشینه‌ای طولانی داشته است. گاه مضامین مرتبط با عشق و مهرورزی، ریشه در عوامل روان‌شناختی، داشته باشد و یکی از دلایل مهم غم و اندوه، خیالات و اوهام و در کل پردازش به پیامدهای عشق را باید در موضوع اصل روان‌شناختی و تنظیم هیجان و تاب‌آوری جست‌وجو کرد. باتوجه‌به پژوهش انجام‌شده، در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که سرآغاز سرایش شعر حمیدی شیرازی و سایه با تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگی همراه شد که این تحولات تأثیر شگرفی بر اندیشه و افکار آن دو نهاد. شعر حمیدی تحت سیطره جریان دنباله‌دار عشقی قرار داشته که تا آخر عمر هم او را رها نکرده است بنابراین از لحاظ بسامد مضمون عشق در حد بسیار بالایی در اشعار او مطرح می‌شود. هوشنگ ابتهاج نیز معمار اشعاری است که پیوند ناگسستنی با جامعه، عشق، طبیعت و زمان دارد. او در شعرش تمام زوایای مختلف و پنهان عشق را که به‌دست فراموشی سپرده‌شده را دوباره برای خواننده یادآوری می‌کند. عشق در اشعار هر دو شاعر سبب درد و تألم بسیاری معرفی شده است. حمیدی با سرودن ابیات عاشقانه سعی دارد تاب‌آوری خود را در برابر اندوه و ماتم ناشی عشق، افزایش دهد. سایه نیز درون‌مایه شعرش در خصوص عشق، توأم با اندوه است؛ گفته می‌شود که درون‌مایه شعر، نشانگر جهت‌گیری فکری و روحی آفریننده اثر است. سایه عشق را رنجی بیش نمی‌داند گویی او هم برای تاب‌آوری بیشتر و رهایی از غم و اندوه ناشی از عشق به شعر پناه آورده است؛ تاب‌آوری، خط سیر رشد را از رفتارهای مشکل‌زا و آسیب‌روان‌شناختی قطع کرده و باوجود مشکلات و شرایط ناگوار به پیامدهای سازگارانه منتهی می‌کند. حمیدی گاه در تنظیم هیجان‌های عاطفی خود ناموفق است تا حدی که ناامیدی بر او چیره می‌گردد و لکن سایه در این وادی، پیروزمندانه عمل می‌کند و بر هیجان‌های ناشی از عشق چنان چیره می‌گردد که به خرسندی و رضایت‌مندی از عشق باوجود اندوه ناشی از آن می‌رسد. حمیدی در اشعارش، وقتی معشوق قصد رفتن را دارد از استراتژی تنظیم هیجان با رویکرد پذیرش، توجه و آگاهی بهره می‌جوید. حمیدی در شعر «جنبش قهرمان» که مضمون آن وصف پاییز است خواننده را به غنیمت‌شمردن دم و لذت بردن از عمر فرامی‌خواند و به رویکرد «فرو نشانه» از کارکردهای تنظیم هیجان متوسل می‌گردد. حمیدی در اشعارش سعی دارد با پیش کشیدن موضوع دم غنیمت‌شمردن و لذت بردن از غم به اندوه و پیامدهای عشق فکر نکند. وقتی که افراد سعی می‌کنند در مورد چیزی که آن‌ها را برآشفته می‌کند، فکر نکنند، تلاش برای فرونشانی افکار و احساسات ناخوشایند، باعث افزایش شدت و فراوانی تجربه این افکار می‌شود. سایه نیز در وادی عشق به چنان زبده‌گی و تجربه‌ای می‌رسد که استراتژی‌اش در برابر پیامدهای عشق تقویت می‌گردد و به مرحله پذیرش عشق و سازگاری می‌رسد.

حمیدی برای تنظیم هیجان‌های و اندوه ناشی از فراق معشوق در شعرش به باغبانی روی می‌آورد و سعی در مقابله و اجتناب دارد؛ یکی از روش‌های تنظیم هیجانی مشکل‌ساز مرتبط با بسیاری از پیامدهای روانی ناشی از عشق‌ورزی، اجتناب می‌باشد که به دوری‌گزینی فعالانه و آگاهانه از موقعیت‌ها و تجربه‌ها اشاره دارد و شامل کنش‌گری فعال نسبت به دوری کردن از تجربه آزارنده یا کاهش ارتباط با آن می‌شود. در شعر سایه نیز تاب‌آوری روان تحلیلانه بسیار به چشم می‌خورد و این نوع تاب‌آوری با تصویرسازی او با تقابل واژگان همراه است.

حمیدی در اشعارش سعی در کنترل هیجان‌های ناشی از عشق با پناه‌بردن به خیال و افکار گذشته طبق استراتژی‌های تنظیم هیجان مبتنی بر نظریات «گراس» دارد، امروزه به‌رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه زندگی و

تجددگرایی، بسیاری از افراد از رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مشکلات و مسائل روزمره زندگی ناتوان و آسیب‌پذیر ساخته است. غرقه‌سازی در خیال و اوهام در مراحل عشق‌ورزی، یکی از مهم‌ترین فرآیندهای تفکر است که به افراد کمک می‌کند تا مقابله مؤثری با مشکلات و چالش‌های زندگی داشته باشند و ابتهاج نیز در استراتژی‌های تنظیم هیجان به درجه‌ای ارتقا می‌یابد که برای سازگاری با پیامدهای عشق، آن‌چنان با آن درهم‌آمیخته و یکی می‌گردد که با تمام اندوه و سختی‌ها، عشق را آزادی می‌نامد و می‌ستاید. در تک‌نگاره‌های ایرانی نیز مفهوم عشق یکی از اصلی‌ترین مضامین است و به شکل ترسیم چهره معشوق و درخواست از معشوق برای توجه دیده می‌شود.

### منابع و مآخذ:

- ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۲۵). نخستین نغمه‌ها. تهران: طاعتی.
- (۱۳۷۱). سیاه‌مشق ۴. تهران: زنده‌رود.
- (۱۳۸۷). طاسیان. تهران: کارنامه.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). حقیقت و زیبایی. تهران: نشر مرکز.
- امان‌پور، صمد. (۱۳۸۵). مهرورزی در شاهنامه. چالوس: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اندامی خشک، علیرضا. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و تحمل پریشانی بارضایت از زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). دانشنامه ادب پارسی. ج ۲، چ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باطبی، پونه. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی مهارت‌های تنظیم هیجان بر کیفیت زندگی و کاهش اضطراب دانش‌آموزان مضطرب دوره دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- بالارستمی، مهوش. (۱۳۸۵). عاشقانه. چ سوم، تهران: گلفرش.
- پورنامداریان، تقی و جعفری، سیاوش. (۱۳۹۲). «هرمنوتیک جدید و تعیین معیارهایی در تأویل شعر معاصر». نشریه علمی - پژوهشی، ادبیات پارسی، ۴، ۳۹ - ۵.
- جوکار، منوچهر و فاطمه شهبازی. (۱۳۸۹). «عشق متعالی در شعر معاصر فارسی». نشریه تاریخ ادبیات، ۶۲ و ۶۳، ۴۲-۶۹.
- حمیدی شیرازی، مهدی. (۱۳۴۹). اشک معشوق. چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۲۵). سال‌های سیاه. تهران: چاپخانه نگین.
- رجبی، پریسا. (۱۳۸۳). تحلیل و بررسی غزلیات هوشنگ ابتهاج (سایه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دزفول.
- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۱). ادبیات معاصر ایران. تهران: نشر روزگار.

- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۴). چشم‌انداز شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
- دلبری، حسن و فریبا مهری. (۱۳۹۴). «سطوح بلاغی خیال در تصویر شعر معاصر». اصفهان: نشریه فنون ادبی، علمی – پژوهشی، (۷)، ۷۳-۸۶.
- ستاری، جلال. (۱۳۶۶). حالات عشق مجنون. تهران: توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «شاعر شعرهای پرشکوه». نشریه بخارا، ۸۳، (۱۴)، ۲۴۴-۲۶۴.
- شریفی، فیض‌الله. (۱۳۹۲). غریقی خاموش در کولاک زمستان. تهران: ابتکار نو.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). سبک‌شناسی. تهران: فردوس.
- عابدی، کامیار. (۱۳۷۷). در ذلال عشق هفتاد سال زندگی و شعر امیر هوشنگ ابتهاج. تهران: ثالث.
- فروم، اریک. (۱۳۸۷). هنر عشق ورزیدن. ترجمه: پوری سلطانی، تهران: مروارید.
- فلاح، مهرداد. (۱۳۷۷). «جای دوربین‌ها عوض شده است، بررسی تحولات شعر در دهه‌ی اخیر»، کارنامه، دوره اول، شماره دوم، ۴۱-۳۴.
- کاظمی، آزاده. (۱۳۸۸). هیچ‌کس از فردایش با من سخن نگفت. تهران: نگاه.
- (۱۳۹۳). مجموعه اشعار. تهران: نگاه.
- کلکوتی شبستری، محمدرضا. (۱۳۸۰). انسان‌های عاشق. کرمانشاه: طاق‌بستان.
- مدی، ارژنگ. (۱۳۷۱). عشق در ادب فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مک‌لم، گایل (۲۰۰۷). تنظیم هیجان کودکان. ترجمه احمد رضا کیانی و فاطمه بهرامی. (۱۳۹۰). تهران: کتاب ارجمند.
- محمدی، محبوبه (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش گروهی مهارت تنظیم هیجان بر زنان مبتلا به افسردگی اساسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- هنر، علی‌محمد. (۱۳۶۵). یادى از مهدى حمیدى، آینده، ۱۲، ۵۳۳-۵۴۰.
- Cole, P.M. Martin, S., E., & Dennis, T.A. (۲۰۰۴). Emotion regulation as a scientific construct: Methodological challenges and directions for child development research. *Child Development*, ۷۵(۲), ۳۱۷-۳۳۳.
- Eisenberg, N., Hofer, C., & Vaughan, J. (۲۰۰۷). *Effortful control and its socioemotional consequences*. New York: Guilford Press.
- Garnezy, N. (۱۹۸۵). Stress-resistant children: The search for protective factors. *Recent research in developmental psychopathology*, ۴, ۲۱۳-۲۳۳.
- Gross, J. J. (۱۹۹۸). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of General Psychology*, ۲, ۲۷۱-۲۹۹.
- Gross, J. J. (۲۰۰۷). *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.

Gross, J. J., & John, O.P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implication for affect, relationship, and well-being. *Personality and Social Psychology*, 80, 348-362.

Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2007). *Emotion regulation: Conceptual foundations*. New York: Guilford Press.

Gross, J.J., & Munoz, R.F. (1997). Emotion regulation and mental health. *Clinical Psychology: Science and Practice*, (4), 107-114.

Gross, J.J., Richards, J.M., & John.O.P. (2006). Emotion Regulation in Everyday Life. In D.K. Stryder, J.A. Simpson, & J.N. Hughes (Eds.), *Emotion Regulation in couples and families: pathways to dysfunction and health*. Washington, DC: American Psychological Association.

Luthar, S. S., & Cicchetti, D. (2000). The construct of resilience: Implications for interventions and social policies. *Development and Psychopathology*, 12(4), 857-880.